



مرکز تحقیقات و اسناد خطی

میراث صدرشاهی

دفتر هفتم

بکوش

هدی میرزنی علی صدرایی غنی

فیضانِ حجاز



پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۶

مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱ - ، گردآورنده.

میراث حدیث شیعه: دفتر هفدهم / به کوشش مهدی مهریزی و علی صدرايي خویی. - قم: دار الحديث، ۱۳۸۶.

۵۷۰ ص. (پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۶)

چاپ اول: ۱۳۸۶.

ISBN : 978 - 964 - 493 - 286 - 1

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. حدیث شیعه - مجموعه ها. ۲. احادیث شیعه - مجموعه ها. الف. صدرايي خویی، علی، ۱۳۴۲ - ، گردآورنده

همکار. ب. عنوان.

۹م ۹/۴/۱۰۶ BP

میراث حدیث شیعه / ۱۷

به کوشش: مهدی مهریزی و علی صدایی خویی

تحقیق: مرکز تحقیقات دارالحدیث
امور اجرایی: مهدی سلیمانی آشتیانی
ویراستار: قاسم شیرجعفری
صفحه‌آرایی: سید علی موسوی‌کیا



ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: اول / ۱۳۸۶

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، تپش کوی ۱۲ پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱

ص.ب ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه و فروشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵

فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام صحن کاشانی) تلفن: ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه هم‌کف)

تلفن: ۰۵۱۱ ۲۲۴۰۰۶۲ - ۳

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهارراه پل خاکی، دست چپ، ساختمان

کوثر) تلفن: ۸۲۲۶۳۳۲

<http://www.hadith.net>

hadith@hadith.net

ISBN : 978 - 964 - 493 - 286 - 1

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است *



9 789644 932861

رسالة في ما لم يثبت فيه حديث صحيح من الأبواب

مجدالدین ابوطاهر محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۸۱۷ق)

تحقیق: مهدی مهریزی

درآمد

دوست فاضل و گرانمایه آقای علی صدرایی خویی نسخه‌ای با عنوان رسالة في بيان ما لم يثبت فيه حديث صحيح من الأبواب از مجدالدین فیروزآبادی (۷۲۹-۸۱۷ق) جهت تصحیح برای ویژه نامه پیامبر ﷺ^۱ در اختیارم گذاشت. این رساله در کتاب خانه مسجد اعظم با این مشخصات [شماره ۱۹۳۲، نسخ، ۵ برگ، ۱۹ سطر] موجود است. این نسخه در فهرست منتشر شده این کتاب خانه ثبت نگردیده و در دیگر فهرس منتشره نیز از آن یاد نشده است.

پس از تخریج‌های اولیه و تقویم نص به هنگام نگارش مقدمه رساله و درج مطالبی درباره فیروزآبادی و آثار وی، به کتاب سفر السعادة برخوردیم. در گفتگو با محقق و پژوهشگر ارجمند جناب آقای مهدوی راد و درخواست اطلاعاتی درباره فیروزآبادی و سفر السعادة - که مدتی قبل مقاله‌ای درباره تاج العروس زبیدی که متن آن از فیروزآبادی است، منتشر کرده بود - ایشان گوشزد فرمودند که در

۱. درج این رساله در میراث حدیث شیعه سه سبب داشت: یکی مناسبت آن با ویژه نامه پیامبر که حکم حلقه‌ای برای تکمیل این زنجیره را داشت و دیگری طرح مباحثی از سوی عالمان اهل سنت که تأیید و تأکیدی بر باورهای شیعه به شمار می‌رفت. و سوم ایرانی بودن فیروزآبادی.

پایان سفر السعادة مطلبی درباره احادیث غیر صحیح آمده است.
این سخن، سبب شد به کتاب سفر السعادة مراجعه کنم و ملاحظه شد که
خاتمه کتاب سفر السعادة همین رساله است.
قبل از آوردن متن رساله، نکاتی را درباره فیروزآبادی، آثار وی و این
رساله در سه بند می آورم.

بند اول. گذری بر زندگانی علمی فیروزآبادی

کسان بسیاری شرح حال فیروزآبادی را نوشته اند، مانند زبیدی،
سنخاوی، ابن حجر و...^۱ در این میان مرحوم غلامحسین مصاحب در
دایرة المعارف خود، شرح مختصری آورده که عیناً درج می گردد:
فیروزآبادی (firuzabdi)، شهرت مجد الدین ابو طاهر محمد ابن

۱. جهت آگاهی از شرح حال فیروزآبادی به این کتاب ها مراجعه شود: ۱. إنباء الفکر، ابن حجر، (ج ۷، ص ۱۶۰-۱۶۳) ۲. الضوء الالامع لأهل القرن التاسع، سنخاوی (ج ۱۰، ص ۷۹-۸۶) ۳. العقود اللؤلؤیة، خزررجی (ج ۲، ص ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۵۵) ۴. شذرات الذهب، ابن عماد حنبلی (ج ۷، ص ۱۲۶-۱۳۰) ۵. البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، شوکانی (ج ۲، ص ۲۸۰-۲۸۴، ترجمه ص ۵۳۱) ۶. المقفی الکبیر، مقریزی (ج ۷، ص ۴۸۳) ۷. تاج العروس فی شرح القاموس، زبیدی (ج ۱، ص ۴۱-۴۶) ۸. درة الحجال فی أسماء الرجال، ابن القاضی (ج ۲، ص ۳۱۷-۳۱۸) ۹. مفتاح السعادة (ج ۱، ص ۱۱۷-۱۲۰) ۱۰. هدية العارفين (ج ۶، ۱۸۰-۱۸۱) ۱۱. ترتیب القاموس المحيط، احمد الزاوی (ج ۱، ص ۱۲-۱۴) ۱۲. معجم المؤلفین (ج ۳، ۷۷۶-۷۷۷) ۱۳. کشف الظنون، حاجی خلیفه (ج ۱، ص ۸۵، ۹۰، ۱۴۹) ۱۴. الأعلام، زرکنلی (ج ۷، ص ۱۴۶) ۱۵. دراسات فی القاموس، محمد مصطفی رضوان (ص ۲۶-۳۸) ۱۶. فهرس الفهارس، کتانی (ج ۲، ص ۲۶۹-۲۷۳) ۱۷. مقدمة بصائر التمييز، تحقیق: محمد علی النجار (ج ۱، ص ۲۲-۲۵) ۱۸. فی صحبة الحبيب محمد (ص ۷-۱۵) ۱۹. سفر السعادة، چاپ دارالعلم، ص ۹-۱۳ ۲۰. دایرة المعارف فارسی مصاحب (ج ۲، ص ۱۹۶۱) ۲۱. بهجة الناظرین (ج ۲، ص ۵۷) ۲۲. بغية الوعاة (ج ۱، ص ۱۱۷-۲۷۳) ۲۳. روضات الجنات (ج ۸، ص ۲۰۱) ۲۴. ایضاح المکنون (ج ۱، ص ۸۹-۱۰۶) ۲۵. معجم أعلام المورود (ج ۱، ص ۳۳۸) ۲۶. دانشمندان و سخن سرایان فارسی (ج ۴، ص ۱۵۵) ۲۷. تاریخ نویسندگان پارسی (ج ۱، ص ۲۱۳) ۲۸. ریحانة الأدب (ج ۴، ص ۳۶۵) ۲۹. الکنی والألقاب (ج ۳، ص ۳۷) ۳۰. القاموس المحيط (ص ۴۷-۴۸) ۳۱. هدية الأحباب (ص ۲۱۳) ۳۲. أثر آفرینان (ج ۴، ص ۳۰۴) ۳۳. طبقات صلحاء یمن (ص ۲۹۳).

یعقوب، ۷۲۹-۸۱۷ هـ ق، عالم لغوی و لغت نویس معروف ایرانی؛ صاحب کتاب قاموس. در کازرون متولد شد، و از هشت سالگی در شیراز به کسب علوم پرداخت و بعد برای تحصیل ادب و علوم عصر خود به واسط و بغداد رفت (۷۴۵ هـ ق). در ۷۵۰ هـ ق به دمشق رفت و در محضر درس تقی الدین سبکی حضور یافت. در ۷۷۰ هـ ق به مکه رفت و سپس مدت ۵ سال در هند (دهلی) اقامت گزید. در ۷۹۴ هـ ق به دعوت سلطان احمد ابن اویس، به بغداد رفت و سپس به ایران آمد. تیمور لنگ، پس از فتح شیراز، او را گرامی داشت، ولی وی در شیراز نماند و در ۷۹۶ هـ ق به یمن رفت، و از طرف الملک الاشرف اسماعیل ابن عباس به عنوان قاضی القضاة یمن تعیین شد، و پادشاه دختر اورانیز به زنی گرفت. فیروزآبادی در ۸۰۲ هـ ق به حج رفت؛ همچنین، در ۸۰۵ هـ ق نیز به مکه رفت، و سپس به یزید بازگشت، و در شوال ۸۱۷ در آنجا درگذشت.

فیروزآبادی به هر ناحیه از قلمرو اسلامی آن روز که سفر کرد، مورد توجه فرمانروایان عصر خود بود. در روم (عثمانی) مورد توجه سلطان ایلدرم بایزید شد و در مصر و یمن و بغداد و تبریز نیز مورد توجه واقع شد.

فیروزآبادی در زمینه حدیث و تفسیر و تاریخ نیز کتاب نوشته است، ولی حوزه اصلی کار وی همان لغت نویسی به شمار می رود. وی با تألیف کتاب قاموس، یکی از معتبرترین لغت نامه های زبان عربی را تألیف کرد. گذشته از قاموس، آثار دیگری نیز از وی در دست است که بسیاری از آنها به چاپ نرسیده. از آنها که به چاپ رسیده کتب ذیل را می توان نام برد: تحبیر المؤمنین (الجزایر، ۱۹۰۹)؛ سفر السعادة یا صراط المستقیم به زبان فارسی، که به عربی ترجمه شده است؛ تنویر المعباس من تفسیر ابن عباس (قاهره، ۱۲۹۰ هـ ق).^۱

آثار فیروزآبادی در زمینه‌های تفسیر، حدیث، تاریخ و لغت بوده، که فهرست آن بدین شرح است.

۱. بصائر ذوي التمييز في لطائف الكتاب العزيز، ۲ جلد.
۲. تنوير المقباس في تفسير ابن عباس، ۴ جلد.
۳. تيسير فاتحة الإهاب في تفسير فاتحة الكتاب.
۴. الدر النظيم المرشد إلى مقاصد القرآن العظيم.
۵. حاصل كورة الخلاص في فضائل سورة الإخلاص.
۶. شرح قطبة الخشاف في شرح خطبة الكشاف.
۷. شوارق الأسرار العلية في شرح مشارق الأنوار النبوية، ۴ جلد.
۸. منح الباري لسيل الفيح الجاري في شرح صحيح البخاري، ۲۰ جلد.
۹. عدة الحكام في شرح عمدة الأحكام، ۲ جلد.
۱۰. افتضاء السهاد في افتراض الجهاد، ۱ جلد.
۱۱. الإسعاد بالإصعاد إلى درجة الاجتهاد، ۳ جلد.
۱۲. المرقاة الوفية في طبقات الحنفية.
۱۳. البلغة في تراجم أئمة النحو واللغة.
۱۴. نزهة الأذهان في تاريخ أصبهان.
۱۵. تسهيل طريق الوصول إلى الأحاديث الزائدة على جامع الأصول.
۱۶. الدر الغالي في الأحاديث العوالي.
۱۷. سفر السعادة.
۱۸. الصلّات في الصلاة على خير البشر ﷺ.
۱۹. منية السؤل في دعوات الرسول ﷺ.
۲۰. التجاريج في فوائد متعلقة بأحاديث المصاييح.
۲۱. روضة الناظر في ترجمة الشيخ عبد القادر.
۲۲. أحاسن اللطائف في محاسن الطائف.
۲۳. اللامع المعلم العجائب الجامع بين المحكم والعياب.

٢٤. القاموس المحيط، والقاموس الوسيط.
٢٥. مقصود ذوي الألباب من علم الإعراب.
٢٦. تحبير المؤثمين في ما يقال بالسين والشين.
٢٧. المثلث الكبير، ٥ جلد.
٢٨. أنواء الغيث في أسماء الليث.
٢٩. زاد المعاد في وزن بانت سعاد، ٢ جلد.
٣٠. النفحة العنبرية في مولد خير البرية والصلاة والبشر في الصلاة على خير البشر.
٣١. الوصل والمنى في فضل منى.
٣٢. المغانم المطابة في معالم طابة.
٣٣. تهيج الغرام الى البلد الحرام.
٣٤. المرقاة الأرفعية في طبقات الشافعية.
٣٥. تعيين الغرفات للمعين على عين عرفات.
٣٦. المتفق وضماً مختلف صنفاً.
٣٧. الروض المسلوف في ماله اسمان إلى الألف.
٣٨. تحفة القماغيل في من تسمى من الملائكة إسماعيل.
٣٩. إسماء السراح في أسماء النكاح.
٤٠. الجليس الأنيس في أسماء الخندريس.
٤١. التحف والظرائب في النكت و الشرائف.
٤٢. الفضل الوفي في العدل الأشرفي.
٤٣. إشارة الحجون الى زيارة الحجون.
٤٤. نفي الدرة من الخزرة في فضل السلامة على الخبزة.

۴۵. أسماء العادة في إسماء الغادرة.^۱

بند دوم. مروری بر کتاب سفر السعادة

سفر السعادة کتابی در شرح احوال پیامبر بر پایه احادیث و روایات است. این کتاب را فیروزآبادی به زبان فارسی نگاشته و در حیات او، توسط ابوالجواد محمد بن محمود مخزومی به عربی ترجمه شده و بارها به چاپ رسیده است. این کتاب از گذشته تاکنون مورد اعتنای عالمان بوده و بدین جهت دارای این ویژگی‌هاست:

۱. نسخه‌های بسیار؛

۲. چاپ‌های متعدد؛

۳. شرح و ترجمه‌های متعدد؛

۴. گزیده و منتخب.

احمد منزوی در فهرست‌واره کتاب‌های فارسی درباره این اثر می‌نویسد:

سفر السعادة: صراط المستقیم. فیروزآبادی، مجد الدین محمد فرزند یعقوب (د ۸۱۷ق / ۱۴۱۴م). نگارنده القاموس، که در دیباجة می‌گوید: اتّباع سیرت سرور راهنمایان سبب نجات جاودانی و موجب قرب و وصول به حضرت ربانی است. از این روی این کتاب را به خواهش بزرگی از ذریّه نبوی بر وجهی که از صحاح اخبار ثابت شده، در قلم آوردم. تا هر که سعادت را خواهد آن را دستور خویش سازد. و این سفر السعادة را بر «فاتحه» و «خاتمه» و چند «باب» هر یک در چند «فصل» ساختم:

فاتحه در ذکر حال حضرت پیش از نزول وحی.

باب ۱. در طهارت آن حضرت، دو فصل؛

۱. این فهرست بر اساس این دو کتاب تنظیم شده است. سفر السعادة، چاپ دار العلم، ص ۱۱-۱۲؛ صحبة الحبيب محمد ص ۱۱-۱۳.

۲. در نماز آن حضرت، بیست و نه فصل؛

۳. صیام النبی [سه فصل]؛

۴. حج ایشان، چهار فصل؛

۵. اذکار ایشان، شانزده فصل؛

۶. در عموم احوال و معاش ایشان، چهل و هفت فصل: درباره پوشش، عادات، خواب و بیداری، سواری، خرید و فروش، در درمان ها که فصل هایی را شامل می گردد (بطن، طاعون، وبا، استسقا، جراحات و سوختگی، داغ کردن، عرق النساء، خستگی مزاج، خارش بدن، ذات الجنب، دردسر، طعام و شراب بیمار، و...)، امر مسکن رفتن، کلام و سکوت و خندیدن ایشان، شارب، جهاد و آداب آن،

خاتمه در حدیث هایی که صحت آن ثابت نشده.

کار فیروزآبادی در ۸۰۴ق / ۱۴۰۲م از سوی ابو الجواد محمد بن محمود مخزومی حنفی مصری به عربی ترجمه شده و به همان نام سفر السعادة شناخته شده و در قاهره چاپ شده است. شیخ عبد الحق دهلوی این ترجمه عربی را به نام الطريق القويم في شرح صراط المستقیم (هف) به فارسی ترجمه و شرح کرده است.^۱

اینک به اجمال کارهای انجام شده درباره سفر السعادة را گزارش می کنم:

الف. نسخه ها

استاد منزوی نسخه های متن فارسی را این چنین گزارش کرده است:
آغاز: بعد از حمد و ثنای حضرت کبریا و درود بی انتها بر سرور

۱. فهرستواره کتابهای فارسی، ج ۲، ص ۱۶۸۵، احمد منزوی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران،

انبیا، معلوم باد طایفه.

مشترک ۲۱۰۹/۳، همان جا ۲۳۶۶/۴ با دو نام بالا (۷ نسخه)،
همان جا ۲۱۸/۱۰ (نامش)؛ نسخه‌ها ۱۲۶۸/۲ با دو نام بالا (۱
نسخه)، همان جا ۴۴۸۷/۶ با دو نام بالا (۱۰ نسخه)؛ الذریعة
۲۵۸/۹ دیوان دهلوی؛ استوری ۱۸۰، ۲۲۴، ۱۲۵۳؛ برگل
۷۸۱/۲ ش ۲۹۴؛ برگل روسی ۵۵۱/۱؛ کشف الظنون ۹۹۱/۲ سفر
السعادة؛ معجم المطبوعات ۱۴۷۰/۲ نام یکم و ترجمه عربی آن بدون
نام مترجم، همان جا ۱۷۱۸/۲؛ کحاله ۲۳۴/۱۰ محمد بن عبد الله
مخزومی (۷۹۳ - ۸۸۵ق) که بایستی کسی دیگر باشد؛ علمای هند
۱۱۰؛ ایوب قادری ۲۸۷ نام دوم؛ پاکستان و هند ۷۹۰/۴؛ فقه‌ای هند
۲۵۴/۱:۴؛ ترجمه‌ها ۱۰ برای ترجمه اردویی آن.

نشریه ۳۴۲/۱۰؛ آلمان ۱۳۷، ۱۶۳ نام یکم؛ آلمان، توینکن ۸۱؛ اته
۲۵۵۴، ۲۵۹۸، ۲۵۸۳.

افغانستان ۱۳۹؛ بانکپور ۱۴/ش ۱۱۸۵؛ بشیر حسین، شفیع ۴۱۷؛
بلوشه ۸۹/۱؛ بهوپال، حمیدیه ۲۵ نام دوم؛ تسییحی، کتابخانه‌ها
۶۹/۱؛ داکا ۲۴۳/۱ ش ۲۵۷؛ راجستان ۳۱/۱؛ ریو ۱۵/۱؛ عبد
الرحیم ۶۸/۱، ۱۱۳؛ فلوگل ۱۹۶۳: ۱/۳؛ قاهره، دارالکتب ۳۳۴/۱؛
کتابخانه‌ها ۶۹/۱؛ گنج ۹۳۹/۲ (۴ نسخه از شرح آن)؛ لیاب المعارف
۶۸/۱؛ لکهنو، ندوه ۴۲، ۴۳؛ مخطوطات، زور ۱۸۲/۲؛ مدینه ۳۷؛
مرآت العلوم ۱۸۸/۱ نام یکم، همان جا ۱۸۸/۳؛ موزه سالار ۹۴/۷،
۹۵ ش ۲۵۴۶، ۲۵۴۷، ۲۵۴۸؛ نوشاهی، موزه ۷۵۵؛ نوشاهی، چاپی
۸۸۰، همان جا ۱۳۱۴/۲؛ هندوستان^۱.

در کتاب الفهرس الشامل للتراث العربي الإسلامي هفت نسخه متن عربی را به
این شرح معرفی کرده است:

۱. فهرستواره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۶۸۵-۱۶۸۶.

سفر السعادة، الفيروز آبادي (محمد بن يعقوب) ت ٨١٧ هـ.

١. متحف الجزائر ١٨ / ٤٦٦ [R. 332 - 46 (1681)] (١٠٠ و) - ٨٦٧ هـ، بخط مشرفي.

٢. الإسكوريال / إسبانيا ٢٨٩/٣ [Gas. 1789 (1/ 1794)] (١ و) - ١٤١ (١٤١٠) هـ، بخط مشرفي.

٣. الحرم المكي، مكة المكرمة (السيرة) ٣٨ [٢١ سيرة (دهلوي)] - (٤٥ و) - ق ١٠ هـ تقديراً، بخط النسخ.

٤. الحرم المكي / مكة المكرمة (السيرة) ٣٩ [١٠ سيرة (معلمي)] (٧٢ و) - ١٢٥٢ هـ، بخط يحيى بن أحمد بن يحيى.

٥. الحرم المكي، مكة المكرمة (السيرة) ٣٩ [٧٧ سيرة] - (١٤٢ و) - ق ١٣ هـ تقديراً، بخط النسخ.

٦. الخزانة التيمورية / القاهرة ٢٩٣/٢ [١٢٨].

٧. الصَّيِّحِيَّة / سلا ٨٢ [٥/١٦٥] - (٤٨ و) - بخط مغربي.^١

ب. چاپها

استاد عبد الجبار الرفاعي در كتاب معجم ما كتب عن الرسول و اهل البيت سه چاپ از اين اثر معرفي کرده است:

١. القاهرة: المطبعة المحمودية التجارية، ١٣٤٨ هـ (١٩٢٩ - ١٩٣٠ م)، ١٦٠ ص.

٢. القاهرة: المطبعة المنيرية، ط ٣، ١٣٣٨ هـ (١٩٣٩ - ١٩٤٠ م)، ١٩٨ ص.

٣. القاهرة: المطبعة الجمالية، ١٩٥٥ م، ١٦٠ ص.^٢

١. الفهرس الشامل للتراث العربي الإسلامي المخطوط السيرة و المذائح النبوية، ج ١، ص ٤٢٧ - ٤٢٨، المجموع

الملكي لبحوث الحضارة الإسلامية، مؤسسة آل البيت، عمان، ١٩٩٦/١٤١٧.

٢. معجم ما كتب عن الرسول و اهل البيت، ج ٢، ص ١٦٤، ش ٣٩٣٨.

دو چاپ دیگر را نیز نگارنده این سطور دیده که مشخصات آنها چنین است:

۴. سفر السعادة، مراجعة و تحقیق الشيخ خليل المسی، دار القلم، بیروت، ۱۴۰۶ق، ۱۹۸۶م این چاپ مقدمه و فاتحه کتاب را داراست.
۵. فی صبة الحبيب محمد، سفر السعادة، تحقیق احمد مصطفى قاسم الطهطاوی، تقدیم د. احمد عبد التواب عوض، دار الفضيلة، قاهره. این چاپ سال نشر ندارد و ظاهراً به سال ۲۰۰۴م چاپ شده است؛ زیرا رقم الایداع آخر کتاب این چنین است ۲۰۰۴/۱۷۶۱.
- این چاپ از باب اول آغاز شده و حاوی مقدمه که در بعضی چاپ‌های دیگر آمده، نیست، ولی به صورت کامل احادیث را تخریج کرده است.

ج. ترجمه و شرح

از سفر السعادة چند ترجمه صورت گرفته است:

۱. نخستین ترجمه از متن فارسی به عربی در سال ۸۰۴ق توسط ابوالجواد محمد بن محمود مخزومی که پیش از این معرفی شد.
۲. ترجمه و شرح به زبان فارسی توسط عبدالحق دهلوی.
- احمد منزوی این ترجمه و شرح را این چنین معرفی می‌کند:

طریق القوم فی شرح صراط المستقیم: شرح سفر السعادة فیروزآبادی (د ۱۱۷ق/ ۱۴۱۴م) شرح از محدث دهلوی، عبدالحق نگاشته ۱۰۱۶ق/ ۸-۱۶۰۷م. در اخلاق و رفتار پیامبر ﷺ برایابه حدیث‌ها می‌باشد. شرحی است گسترده و حامل متن و در منابع به نام‌های گوناگون آمده است. نخست دیباچه است که در آن نام خود و نگارنده متن را یاد کرده است و نیز این که نام متن «سفر السعادت» که آن را صراط المستقیم نیز خوانند» است و خود به شرح، نامی نداده و در منابع به نام‌های گوناگون و برخی نادرست آمده و پیش از

آغاز به گزارش، «مقدمه» ای آورده «در آنچه دانستن آن پیش از مقصود واجب و مناسب باشد» در ۲ قسم:

قسم ۱- در مصطلحات علم حدیث، احوال کتب سته؛

۲- احوال ائمه مذاهب اربعه، این دو بخش با سربندهای «وصل» است. در نولکشور، ۱۸۷۵ م/ ۱۲۹۲ ق در ۵۸۵ ص چاپ شده است. آغاز چایی: سبحانک لا علم لنا إلا ما علمتنا إنک أنت العليم... حمد و سپاس صانع پروردگار.

مشترک ۲۳۶۷/۴ «شرح سفر السعادة» (۲۰ نسخه)، همان جا ۲۱۹/۱۰ (۲ نسخه)؛ نسخه‌ها ۱۲۶۸/۲ «صراط المستقیم: شرح سفر السعادة» (۱ نسخه)؛ استوری ۱۸۱ ش ۲۲۴؛ برگل ۷۸۳/۲ ش ۴۹۴؛ نفیسی ۳۶۹/۱ زندگی نامه دهلوی و نام آثارش، از آن میان «طریق الافادة في شرح سفر السعادة» فیروزآبادی به نام «طریق القويم شرح صراط المستقیم»؛ کشف الظنون، ج ۲، ص ۹۹۱ «سفر السعادة» متن؛ هدیة العارفين، ج ۱، ص ۵۰۳؛ مشار، ۳۲۳۵ «شرح سفر السعادة»؛ مشار، مؤلفین ۷۶۸/۳ که نشانی ۲ چاپ هند «شرح سفر السعادة» را داده است؛ حدیقه لاهوری، ۱۹۳ تا ۱۹۵ زندگی نامه دهلوی و نام چند اثرش از آن میان «صراط المستقیم» که محشی آن را نشناخته و در باورقی می‌نویسد: از این کتاب هیچ گونه آگاهی در دست نیست؛ پاکستان و هند ۷۹۰/۴ که متن را به نام صراط المستقیم نامیده، ولی متن اصلی را نادرست عربی تلقی کرده است، همان جا ۱۵۰/۴ تا ۱۵۴ زندگی نامه دهلوی و نام آثارش، از آن میان «الطریق القويم في شرح الصراط المستقیم»؛ دانش ۱۳: ۸۴/۱۳۶۷؛ جرنل، خدابخش ۳۵/۴۰، همان جا ۲: ۴۶/۱۹۷۷؛ خزینه ۱۶۴/۱ زندگی نامه و نام چند اثر او، از آن میان «صراط المستقیم»؛ خزینه الاصفیة اردو ۲۴۷ که ضمن آثارش دو کتاب به نام‌های صراط المستقیم و شرح سفر السعادة را جدا بر شمرده است.

یزد، شیروانی ۱۷۵۷/۵.

آصفیه، هندلیست ۸۷۸/۲ (نسخه ۲)، ۱۶۰۸. همان جا ۳۸۲/۴؛
آکادمی، چاپی ۱۶۴؛ اته ۲۵۸۳، ۲۵۹۸، ۲۶۵۴، ۲۶۵۵، ۲۶۵۶؛
ایوانف ۱۰۰۲، ۱۰۰۳؛ یانکیوور ۱۱۸۶/۱۴؛ بشیر حسین، شفیع
۴۱۷؛ پاکستان، اوج، غلام سرور ۲۱؛ داکا ۲۴۳/۱؛ راجستان ۳۱/۱
«شرح سفر السعادة»؛ ریو ۱۵/۱ «شرح سفر السعادة» طرازی، قاهره
۳۳۴/۱؛ عبد الرحیم ۶۱/۱؛ گنج ۹۳۹/۲ (نسخه ۴)؛ نوشاهی، چاپی
۸۸۱، همان جا ۱۳۱۴/۲؛ نوشاهی، موزه ۶۵۶، ۷۵۶؛ هندوستان
۱۶۳.

۳. ترجمه به زبان اردو که آقای منزوی دو ترجمه را گوشزد کرده
است.^۲

۴. شرح دیگری نیز در فهرستواره از محمد محسن فرزند ابراهیم معرفی
شده که گزارش آن چنین است:

شرح صراط المستقیم: شرح سفر السعادة متن از فیروز آبادی (هف)
شرح از محمد محسن فرزند ابراهیم فرزند جلال. نام متن در
دیباچه «صراط مستقیم» و نام نگارنده اش آمده و می افزاید که چون
نگارنده از اصحاب ظاهر بود و بنابر مذهب خود سخنانی گفته بود و
شیخ اجل عبد الحق دهلوی بر آن کتاب شرح کرده و به غایت
اطناب کشیده بود، این فقیر می خواهد بر طبق مذهب حنفی، متن و
شرح آن را به ایجاز درآورم و بعضی سخنان که از مشایخ خود
شنیده ام، یا نکاتی را که به من الهام شده ایراد کنم.

آغاز (متن): بعد از حمد و ثنای حضرت کبریا، و درود بی انتها. آغاز
(شرح): الحمد لله الذي أمرنا بمتابعة نبيه الرحيم، والصلاة والسلام

۱. فهرستواره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۷۱۷ - ۱۷۱۶.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۶۸۶.

علی نبیه و حبیبہ الکریم... اما بعد، می‌گوید. که چون کتاب صراط
مستقیم به غایت وجودت.

مشرک ۲۳۶۹/۴ (۱ نسخه)؛ گنج ش ۱۳۶۳۶.

د. گزیده و منتخب

سید عبد الاول زیدپوری گزیده‌ای از این اثر به سال ۹۶۸ ق فراهم
آورده است. جناب آقای منزوی درباره این گزیده می‌نویسد:

سفر السعادة: سیر نبوی. فیروزآبادی. منتخب از زیدپوری، سید عبد
الاول فرزند علا فرزند حسن (د ۹۶۸ ق / ۶۱-۱۵۶ م). گزیده‌ای
است از سفر السعادة به درخواست بیرم خان، خان خانان، به روزگار
اکبر (۹۶۳ ق-۱۰۱۴ م). وی در دیباچه می‌نویسد «در اواخر احدی
و اربعین و تسعمه (۹۴۱ ق / ۱۵۳۵ م) که لشکر خراسان از ولایت
دهلی متوجه ممالک گجرات شد. جهت حفظ و امن و دفع مرض و
فتنه. اشتغال به علم حدیث واجب آمد... لاجرم بر خلاصه آن
اختصار نمود، یعنی بر بیان بعضی از سیر و شمایل و اخلاق سید
المرسلین ﷺ اقتصار لازم دید. به گفته برگل (۸۲۳/۲) خواسته به
یک کرشمه دو کار کند: از تاخت و تاز «سپاهیان خراسان» یعنی
لشکر همایون که از دهلی به گجرات آمده بودند، جلوگیری کند و
نیز بیماری طاعون را برگرداند. در ۱۰ «باب»: ۱- احوال آن
حضرت پیش از تولد تا پیش از بعثت، ۲- احوال ایشان پس از بعثت،
۳- نماز آن حضرت، ۴- زکات، ۵- روزه‌گیری، ۶- حج‌گزاری
ایشان، ۷- معاش و معاشرت ایشان، ۸- طب آن حضرت، ۹-
دعاها، ۱۰- احوال متفرق از غزوه‌ها، همسران، فرزندان و عمویان،
موالی و حواری و خدم و حارسان نگهبان ایشان، فرستادگان و
کاتبان و دواب و سلاح و پوشاک ایشان. و خود بدان نامی نداده

است. این کتاب در برگل (۸۲۳/۲) به دو نام «سیر نبوی یا منتخب سفر السعاده» و «السير و السلوك» به گونه دو کتاب یاد شده است. آغاز: حدیثی که سلسله اسناد آن را به عقل و نقل متصل گشته، مرفوع و عنقه روایت آن... حمد خداوندی است که جواهر زواهر اخبار و آثار.

مشترک ۲۱۸/۱۰ «منتخب سفر السعاده: سیر نبوی» (۱ نسخه)، ۲۵۴ «سیرت النبی» (۲ نسخه): نسخه ۴۴۹۱/۶ «سیرت نبوی» (۱ نسخه) که به نادرست به استناد فهرست بشیر حسین (۲۲/۱) نام نگارنده را میر عبد العاقل و تاریخ نگارش را ۷۴۱ ق / ۱۳۴۰ م آورده است؛ استوری ۱۹۲ ش ۲۳۹ «سیر نبوی»: برگل ۸۲۲/۲ زندگی نامه و نام یا نشانی ۴ کار دیگرش، ۸۲۳/۲ ش ۵۱۴ «سیر نبوی»: علمای هند ۱۰۶: نفیسی ۳۷۲/۱ زندگی نامه و چند کارش و همین اثر «سیر نبوی یا منتخب کتاب سفر السعاده»: علمای هند ۱۰۶.

آصفیه ۳۳/۲: آصفیه، هندلیست ۸۷۸/۲ ش ۷۵: ایوانف ۹۹۶: بشیر حسین، شیرانی ۲۲/۱ «رساله در سیرت النبی»: شیرانی ۳۰: علیگر، اطهر ۲۷ «احوال پیامبر یا منتخب سفر السعاده»: نوشاهی، موزه ۷۵۵ «انتخاب سفر السعاده».^۱

بند سوم. خاتمه سفر السعاده یا رساله فی بیان ما لم یثبت فیه

حدیث صحیح من الأبواب

یکم. چنان که گذشت خاتمه سفر السعاده در ذکر روایات منقول از پیامبر است، که به اثبات نرسیده است و گفته شد نسخه ای از این رساله در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.

شمس الدین ابو عبد الله محمد بن حسن ابن همام دمشقی (۱۰۹۱ -

۱۷۵ق) همین خاتمه را تخریج کرده و به صورت کتاب مستقل با عنوان التکیة والإفادة تخریج أحادیث خاتمة سفر السعادة به چاپ رسیده است.^۱ می توان گفت: این کتاب تنها تخریج احادیث نیست، بلکه شرحی انتقادی بر این خاتمه است. ابن همت خود در مقدمه کتابش بدین نکته اشاره کرده است:

أما بعد فهذا تخریج لطیف و تحریر، إن شاء الله تعالى، منیف علی خاتمة سفر السعادة للشیخ الإمام مجد الدین الفیروز آبادی اللغوی - رَوَّحَ الله تعالى رُوحَهُ، وَنَوَّرَ ضَرِیْحَهُ - و هو کتاب نفیس غیر أنه محتاج إلى تنقیح و زیادة و تنکیة و إفادة، و لم یتسّر لی الکتابه علی جمیع الکتاب، فاقصرت علی الخاتمة، ولَخَصْتُ من کلام الأئمة ما هو الجم الغفیر، ونهت علی ما فیه اعتراض من کلامه و تغیر، و علی الله سبحانه اعتمادی و علیه فی کُلِّ الأمور استنادی.^۲

ابن همت در مقدمه این اثر نوشته است که فیروز آبادی در این خاتمه از عمرو بن بدر موصلی الگو گرفته است؛ زیرا عمرو بن بدر، کتابی بدین نام دارد: المغنی عن الحفظ و الکتاب بقولهم لم یصح شیء [من الأحادیث] فی هذا الباب.

وی می گوید: کتاب موصلی را ابن الملقن یکی از مشایخ ابن حجر تلخیص کرده و من این را تلخیص دیدم و اطمینان حاصل کردم که فیروز آبادی از وی الگو گرفته است.^۳

بر پایه آنچه گفته شد، خاتمة کتاب سفر السعادة اینک به سه شکل در دسترس ما قرار دارد.

۱. مشخصات این کتاب چنین است: التکیة والإفادة فی تخریج أحادیث خاتمة سفر السعادة، ابن همت الدمشقی، حَقَّقَهُ و خَرَّجَ أحادیثه: احمد البزرة، دار المأمون للتراث، دمشق، ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۷م، ۲۳۷ص.

۲. التکیة والإفادة، ص ۱۳.

۳. التکیة والإفادة، ص ۱۶.

الف. رسالۂ خطی مسجد اعظم کہ بہ عنوان یک رسالۂ مستقل موجود است و در این جا عرضه می گردد.

ب. کتاب سفر السعاده بہ همراه خاتمه کہ چاپ های متعددی از آن وجود دارد.

ج. کتاب التکیت والإفادۃ کہ تخریج خاتمۂ سفر السعاده است. مقایسۂ این سه نشان می دهد کہ:

مطالب موجود در رسالۂ خطی ۷۷ باب است.

مطالب موجود در چاپ های سفر السعاده ۹۳ باب است.

مطالب موجود در کتاب التکیت ۹۲ باب است.

از این میان ۷۵ باب مشترک است کہ در هر سه آمده است.

تفاوت چاپ های سفر السعاده با کتاب التکیت در «باب التختم بالعقیق» است کہ در چاپ های سفر السعاده موجود نیست، ولی در التکیت آمده است. از سوی دیگر دو عنوان در چاپ های سفر السعاده موجود است کہ در التکیت نیامده است:

- باب الإمام ضامن.^۱

- باب لا صلاة لجار المسجد إلا في المسجد.^۲

و نیز نسخۂ مسجد اعظم حاوی یک باب است کہ در هیچ کدام از آن دو نیست «باب خلق الورد من عرقی» کہ در شماره ۴۳ این رسالہ مندرج است.

همچنین «باب التختم بخاتم العقیق» کہ در کتاب التکیت والإفادۃ قرار داشت،^۳ در این نسخہ نیز موجود است.

و نیز دو بابی کہ در التکیت نیامده است یعنی: «باب الإمام ضامن» و

۱. في صفة الحبيب محمد، ص ۳۴۸.

۲. همان، ص ۳۴۹.

۳. التکیت والإفادۃ، ص ۱۵۱.

«باب لاصلاة لجار المسجد إلا في المسجد» در نسخه مسجد اعظم موجود است.

عناوين ابوابی که در چاپ‌های سفر السعادة و التکیت آمده و در نسخه مسجد اعظم موجود نیست، هیجده باب بدین شرح است:

۱. باب العلم و فضيلة التسمية بمحمد و أحمد والمنع من ذلك، لم یصحّ فيه شيء.^۱

۲. باب العقل وفضله، لم یصحّ فيه حديث نبوي.^۲

۳. باب عمر الخضر وإلیاس و طول ذلك وبقائهما، لم یصحّ فيه حديث.^۳

۴. باب فضل معاوية، ليس فيه حديث صحيح.^۴

۵. باب النهي عن دخول الحمام، لم یصحّ فيه حديث.^۵

۶. باب فضل المعروف والتحذير من التبرم بحوائج الخلق، لم یثبت فيه شيء.^۶

۷. باب حسن الخط والتحريض على تعلمه، لم یثبت فيه شيء.^۷

۸. باب النهي عن قطع الصدر، لم یثبت فيه شيء.^۸

۹. باب فضل العدس و...، لم یثبت فيه شيء و انما وضع الزنادقة.^۹

۱. في صحبة الحبيب محمد، ص ۳۴۴.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۴۶.

۵. همان، ص ۳۴۸.

۶. همان، ص ۳۵۰.

۷. همان، ص ۳۵۱.

۸. همان.

۹. همان.

۱۰. باب فضل اللحم و أنَّ أفضل طعام الدنيا والآخرة اللحم، لم يثبت فيه شيء.^۱

۱۱. باب النهي عن قطع اللحم بالساكين، لم يثبت فيه شيء.^۲

۱۲. باب فضل الهريسة، لم يثبت والجزء المشهور في ذلك مجموع احاديثه مفترى.^۳

۱۳. باب النهي عن أكل الطين، لم يثبت فيه شيء.^۴

۱۴. باب فضائل البطيخ، لم يثبت فيه شيء.^۵

۱۵. باب الأكل في السوق، لم يثبت فيه شيء.^۶

۱۶. باب فضائل النرجس و...، لم يثبت فيه حديث.^۷

۱۷. باب ذم الكسب و فتنة المال، ما يثبت فيه شيء.^۸

۱۸. باب افتراق الأمة إلى اثنين و سبعين فرقة، لم يثبت فيه شيء.^۹

دوم. داوری و قضاوت فیروزآبادی نسبت به ۷۷ بابی که در نسخه مسجد اعظم آمده، سه گونه است:

الف. در یازده مورد حکم به جعل و وضع و باطل بودن کرده است، که

شماره های آن از این قرار است: ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۳۵، ۴۳، ۴۴، ۵۱، ۶۵، ۶۹،

۷۴.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

۸. همان، ص ۳۵۲.

۹. همان، ص ۳۵۳.

ب. یک مورد را با تردید آورده است، بدین معنا که می گوید گروهی آن را صحیح دانسته و گروهی حکم به عدم صحت کرده اند و آن شماره ۱۲ است.

ج. در ۶۶ مورد دیگر ایشان حکم به عدم صحت و یا عدم ثبوت و تعبیرهایی از این دست دارد، که شرح آن چنین است:
- لم یصحّ فيه حديث (۳۲ مورد): شماره های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۷، ۴۰، ۴۹، ۵۶، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۷۳، ۷۵.

- ليس فيه حديث صحيح (۲ مورد): شماره ۱۱، ۵۵.
- لم يرد فيه حديث صحيح (۱ مورد): شماره ۵۴.
- لم يثبت فيه شيء (۲۷ مورد): شماره های ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۷.

- ليس فيه شيء (۱ مورد): شماره ۴۵.
- ليس فيه شيء مثبت (۱ مورد): شماره ۷۶.
- لم يصل (۱ مورد): شماره ۶۱.

مواردی که حکم به جعل و وضع کرده روشن است، مورد تردید نیز ابهامی ندارد؛ اما در مواردی که حکم به عدم صحت و یا عدم ثبوت و تعبیرهای مشابه آن دارد - یعنی موارد بند ج - با ابهام همراه است. به تعبیر دیگر فیروزآبادی مراد خود را در عدم صحت بیان نکرده است. ابن همام می گوید از تعبیر فیروزآبادی برمی آید که عدم صحت به دو معنا به کار رفته است؛ گاه به معنای عدم ورود چنان که صاحبان الموضوعات معتقدند و گاه به معنای عدم صحت چنان که اصطلاح محدثان است.

قولهم لا یصحّ في هذا الباب شيء أو لم یصحّ هذا الحديث، یریدون به نفي الصحة على اصطلاح المحدثين، ولا يلزم منه نفي حسنة فضلاً

عن نفی وروده؛ كما ذكره البدر الزركشي، وقد يريده من صنف في الموضوعات والضعفاء كالعقيلي نفى وروده كما سيأتي الإشارة إليه. والمجد - رحمه الله تعالى - قد استعمل هذا اللفظ في المعنيين ولم يفرّق، وقد بيّنا ذلك في كل حديث ما يليق به من صحة و حسن وضعف، فلله الحمد على ذلك.^۱

سوم. فیروزآبادی در احکامی که دربارهٔ این احادیث صادر کرده، مستند و ادله و نیز مبنای خود را تبیین نکرده است. روشن است که برخی از این احکام با مسلمّات عقاید شیعه ناسازگار است و شواهد تاریخی و حدیثی، خلاف آن ثابت می‌کند. چنان که ممکن است اهل سنت نیز دربارهٔ برخی از موارد چنین ادعایی داشته باشند.

چهارم. شناسایی احادیث ضعیف و جعلی و پالایش احادیث، یکی از فعالیت‌های چشمگیر محدثان در طول تاریخ بوده است. آنان این پالایش را گاه در مرحلهٔ تدوین و تألیف کتاب، گاه با نگارش کتاب‌هایی در معرفی ضعفا و گاه با گردآوری احادیث ضعیف و موضوع در آثار مستقل انجام می‌داده‌اند.

نوشتهٔ فیروزآبادی از دستهٔ سوم است. محدثان اهل سنت در شناسایی احادیث جعلی و گردآوری آنها از قرن پنجم دست به تألیف زده‌اند. بر پایهٔ گزارش علی حسن حلبی در کتاب موسوعة الاحادیث والآثار الضعيفة والموضوعة تاکنون ۷۸ اثر در این زمینه تألیف شده است، که نوشته فیروزآبادی رتبهٔ ۲۴ را دارد.

البته مورد اول و دوم را که حلبی معرفی کرده، در عداد این گونه آثار قرار نمی‌گیرد؛ زیرا نویسندگان به قصد گردآوری احادیث ضعیف، کتاب را تألیف نکرده‌اند، بلکه دیگران این کتاب‌ها را متهم به جعل و

ضعف کرده‌اند.^۱

بر این پایه آثار تألیف شده به ۷۶ اثر می‌رسد^۲ و کتاب فیروزآبادی در مرتبه ۲۲ قرار می‌گیرد.

پنجم. در تصحیح این رساله این نکات منظور شده است:

۱. تصحیح رساله بر این اساس بوده است.

الف. نسخه کتابخانه مسجد اعظم به شماره ۱۹۳۲، نسخ، ۵ برگ،

۱۹ سطر.

ب. کتاب چاپ شده التتکیت والإفادة في تخریج أحادیث کتاب سفر السعادة.

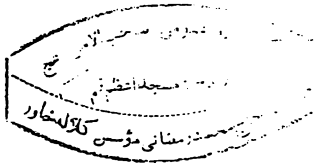
ج. چاپ‌های مختلف کتاب سفر السعادة.

۲. در تخریج احادیث با توجه به گرایش و تعلق مذهبی فیروزآبادی، به مصادر حدیثی شیعه ارجاع نشده است.

۳. حتی المقدور به مصادر پیش از فیروزآبادی ارجاع شده است، ولیکن به آدرس برخی از احادیث در منابع اهل سنت دست نیافتیم.

۱. موسوعة الاحادیث والآثار الضعيفة والموضوعة، ج ۱، ص ۲۹-۴۷.

۲. همان، ص ۱۰۱-۱۰۴.



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد
 خاتم النبيين وعلى آله واصحابه اجمعين هذه اشارة
 الى ابواب الم بيب فيها شيء عند جهابذة علماء الحديث
 في غايه الاختصار لكنها تشمل على علوم شتى في نهايه
 الاكثر باب الايمان ما اشهر فيه كالايمان قول وعمل
 وبزبد وينفض ولا يزيد ولا ينقص لم يصح فيه عنه شيء
 وهو في اقوال الصحابه والتابعين باب في الرجاء و
 القدره والاشعره لم يصح فيه حديث باب
 كلام الله تعالى لم يصح فيه شيء وكل ما قبل فيه من كلام
 الصحابه والتابعين باب خلق الملائكة الحديث
 المنسوب الى ابي هريره عنه ان الله يامر جبريل كل غداه
 ان يدخل بحر النور فينغمس فيه ثم يخرج فينفض انتفاضة
 يخرج منه سبعون الف فطره يخلق الله من كل فطره ملكا
 روى بطرق كثره ولم يصح منها شيء باب طلب العلم فريضه

وما في

لغير ذلك أرشيت فيرشي ومجموعه باطل آتـب الاجماع
عبد لرسمه غير حاشيت آتـب القباس عجز لرسمه فيه شيء
الولود من بعد المائـة لرشيت آتـب ذم ووصف ما يقع
بعد مائـة وثلاثين سنه وبعد مائـة وثلاثه ومذمـة مؤلف
القوم ومدح ولا نفاذ والغرض في ذلك الوقع مجموع باطل
منغري وعديت الغريب، ثلثه فان في خوف ظالم ومصحف
في ذب لا يفر غير جد جل صالح بين فخره وسوء باطل آتـب
ظهوره لا يات بعد المائـة لرشيت فيرشي آتـب مذمـة
الاولاد في اخر الزمان وقول لمن يروي احكم جروا خبره
من ان يروي ولدا وحديث يكون القول المطرفضا والوالد
غنظام رشيت في هذا المعنى من الاحاديت شيء آتـب
محرر الغوان بالاحسان والغنى لرشيت فيرشي بل ورد
خلات ذلك في الصحيح وهو ان النبي ص دخل مكة يوم
الغنى وهو غير سورة الفغنى فال الراوى والجميع ١١١
آتـب غنظيل الرشيد لرسمه غير شيء آتـب اذا سمعتم
حتى حديثا فاعرضوه على كتاب الله تعالى فان وافقه
فاقبلوه ولا فوزه لرشيت فيرشي وهذا الحديث من
اوضح الموضوعات بل صحيح خلافا لآلـة اوبن الغوان
وشلمه وجاء في حديث صحيح لا القين متكئا على تنكاه

بصل البه الحديث فيقول لا يخذ هذا الحكم في القرآن الا لآلـة
اولئب الغوان وشلمه آتـب انتفاع اهل العرف
بالعلم والمشيـة لطلب العلم حافيا والخلف في طلبه وعقوبة
المعلم الجاؤ على الصبيان والدا عا، بالفقر على المعلمين له
بمع غير حديث آتـب الحاكم وذمهم ومدحهم بل غير شيء
مشبـت آتـب انشاء الشعر بمد العشاء وحفظ العرض
باعطاء الشعراء وذمهم التعبد بغير فخر ومذمـة العالم الذين
يمشون الى السلطان ومساخر العلماء، وذمارة الملاك كقيد
العلماء لرشيت في ذلك شيء والله اعلم
صلى الله على محمد وآله وسلم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خير خلقه محمد خاتم النبيين و
على آله وأصحابه أجمعين.

هذه إشارة إلى أبواب ما لم يثبت فيها شيء عند جهازة علماء الحديث في غاية
الاختصار، لكنها تشتمل على علوم شتى في نهاية الإكثار.

١. باب الإيمان؛ ما اشتهر فيه كالإيمان قول وعمل؛^١ ويزيد وينقص؛^٢ أو لا يزيد و
لا ينقص؛^٣ لم يصح عنه ﷺ شيء وهو في أقوال الصحابة والتابعين.

٢. باب في المرجئة والقدرة والأشعرية؛^٤ لم يصح فيه حديث.

٣. باب كلام الله تعالى، لم يصح فيه شيء؛^٥ وكل ما قيل فيه فمن كلام الصحابة
والتابعين.

٤. باب خلق الملائكة؛ الحديث المنسوب إلى أبي هريرة عنه ﷺ: «أَنَّ اللَّهَ
يَأْمُرُ جَبْرَائِيلَ كُلَّ غَدَاةٍ أَنْ يَدْخُلَ بَحْرَ النُّورِ، فَيَنْغَمِسَ فِيهِ، ثُمَّ يَخْرُجُ، فَيَنْفُضُ انْتِفَاضَةً
يَخْرُجُ مِنْهُ سَبْعُونَ أَلْفَ قَطْرَةٍ، يَخْلُقُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ قَطْرَةٍ مَلَكًا»^٦ روي بطرق

١. مسند أحمد، ج ٥، ص ٢٣٠ و ٢٣٦.

٢. سنن أبي داود، ج ٢٩١٢ و ٢٩١٣.

٣. ميزان الاعتدال، ج ٤، ص ٢١؛ الأباطل والمناكير، والصحاح والمشاهير، ص ١٦ - ٢٤؛ الموضوعات، ابن
جوزي، ج ١، ص ٨٣٢.

٤. سنن أبي داود، ج ٤٦٩١؛ مسند أحمد، ج ٢، ص ٨٦؛ المستدرک، ج ٢، ص ٨٥؛ مجمع الزوائد، ج ٧،
ص ٢٠٦.

٥. الأسماء والصفات، بيهقي، ص ٣١٣؛ الكامل، ابن عدي، ج ١، ص ٢٠٣.

٦. السيرة الحلبية، ج ١، ص ٢٤٦؛ الموضوعات، ابن جوزي، ج ١، ص ١٤٧؛ فتح الباري، ج ٦، ص ٢٢٠؛ كنز
العمال، ج ١٢، ص ٢٣، ج ٣٤٩٨.

كثيرة ولم يصح منها شيء.

٥. باب طلب العلم فريضة^١ و ما في معناه لم يصح.

٦. باب من سئل عن علم فكتمه^٢؛ لم يصح فيه حديث.

٧. باب فضائل القرآن سورة سورة؛ أسنده إلى أبي بن كعب^٣ و مجموع ذلك مفترى موضوع بإجماع المحدثين^٤ والذي صح من فضائل القرآن أنه قال: «ألا أعلمك سورة هي أعظم سورة في القرآن؟ الحمد لله رب العالمين»^٥ و حديث البقرة^٦ و آل عمران^٧ و حديث آية الكرسي، قاله لأبي: «أتدري أي آية في كتاب الله أعظم؟»^٨ و حديث: يؤتى يوم القيامة بالقرآن و أهله الذين كانوا يفعلون به في الدنيا بعد فهم^٩ البقرة و آل عمران^{١٠} و حديث: «من قرأ اثنتين من آخر سورة البقرة في كل ليلة كفتاه»^{١١} و حديث: «لقد صدق و هو كذوب»^{١٢} و حديث: «قل هو الله أحد يعدل ثلث القرآن»^{١٣} و حديث: «فضل المعوذتين: أنزل علي آيات لم ير بمثلهن»^{١٤} و حديث الكهف: «من قرأ منها

١. سنن ابن ماجه، ح ٢٢٤؛ حلية الأولياء، ج ٨، ص ٣٢٢؛ الدرر المستورة، ص ٢٨٢؛ المقاصد الحسنة، ص ٦٦

٢. مسند أحمد، ج ٢، ص ٣٠٥؛ سنن أبي داود، ح ٢٦٤٩؛ سنن ابن ماجه، ح ٢٦٥؛ المستدرک، ج ١، ص ١٠١.

٣. الضعفاء، ج ١، ص ١٥٦-١٥٧؛ الفوائد، شوکانی، ص ٣٩٦.

٤. تدريب الراوي، ج ١، ص ٢٤٥؛ الفوائد المجموعة، ص ٣٩٦.

٥. مسند أحمد، ج ٣، ص ٤٥٠؛ سنن الدارمي، ج ٢، ص ٤٤٥؛ صحيح البخاري، ج ٥، ص ١٤٦؛ ج ٦، ص ١٠٣.

٦. صحيح مسلم، ح ٨٠٥؛ مسند أحمد، ج ٤، ص ١٨٣؛ سنن الترمذي، ح ٨٨٣.

٧. در نسخه های چاپی چنین آمده است: «و حديث سورة البقرة و آل عمران غماتان».

٨. صحيح البخاري، ج ٤، ص ٩٢ و ج ٦، ص ١٠٤؛ مسند أحمد، ج ٥، ص ٤٢٣.

٩. مسند الشاميين، ج ٢، ص ٣٢٠؛ ح ١٤١٨؛ رياض الصالحين، نووي، ص ٤٤٥؛ ح ٩٩٢؛ كشف الخفاء، عجلوني، ج ٢، ص ٤١٩.

١٠. در نسخه های چاپی و نیز كتب احاديث چنین است «تقدمهم البقرة و آل عمران».

١١. كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤١٩؛ و در مجمع البيان، ج ٢، ص ١٥٧ از عبد الله بن مسعود نقل شده است.

١٢. صحيح البخاري، ج ٣، ص ٦٤؛ مجمع الزوائد، ج ٦، ص ٣٢٢؛ فتح الباري، ج ٤، ص ٣٩٧.

١٣. صحيح مسلم، ج ٢، ص ١٩٩.

١٤. مسند أحمد، ج ٤، ص ١٤٤؛ سنن النسائي، ج ٨، ص ٢٥٤؛ السنن الكبرى، ج ٤، ص ٤٤١؛ ح ٧٨٥٥.

عشرأ عصم من الدجال»^۱.

۸. باب فضائل الصديق؛ أشهر المشهورات فيه: «إِنَّ اللَّهَ يَتَجَلَّى لِلنَّاسِ عَامَّةً وَلَأَبِي بَكْرٍ خَاصَّةً»^۲ موضوع و حديث: «مَا صَبَّ اللَّهُ فِي صَدْرِي شَيْئاً إِلَّا [و] صَبَبْتُهُ فِي صَدْرِ أَبِي بَكْرٍ»^۳ و حديث: «كَانَ ﷺ إِذَا اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ قَبْلَ شَيْبَةِ أَبِي بَكْرٍ»^۴ و حديث: «أَنَا وَ أَبُو بَكْرٍ كَفَرَسِي رَهَانَ»^۵ و حديث: «إِنَّ اللَّهَ لَمَّا خَلَقَ الْأَرْوَاحَ اخْتَارَ رُوحَ أَبِي بَكْرٍ»^۶ و أمثال هذا من المفتریات يحكم ببطلانها بديهة العقل.

۹. باب فضائل علي؛ وضعوا فيه أحاديث لا تعد؛ من أقبحها الأحاديث في الكتاب المسمى بالوصاية^۷ اول كل حديث منها «يا علي»، و الثابت من تلك الجملة حديث

۱. مسند أحمد، ج ۵، ص ۱۹۶؛ صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۹۹؛ المستدرک، حاکم، ج ۲، ص ۳۶۸.

۲. تذکرة الموضوعات، ص ۹۳؛ فیض الغدير، ج ۲، ص ۸۹؛ کشف الخفاء، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۷۴۵.

۳. تذکرة الموضوعات، ص ۹۳؛ کشف الخفاء، ج ۲، ص ۴۱۹؛ الموضوعات، ابن جوزی، ج ۱، ص ۳۱۹.

۴. کشف الخفاء، ج ۲، ص ۴۱۹.

۵. کشف الخفاء، ج ۲، ص ۴۱۹؛ الموضوعات، ابن جوزی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ أسنى المطالب، ص ۷۳.

۶. کشف الخفاء، ج ۲، ص ۴۱۹؛ تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۵؛ تاریخ مدينة دمشق، ج ۳۰، ص ۱۶۴؛

الموضوعات، ابن جوزی، ج ۱، ص ۳۱۰.

۷. وصایای پیامبر به امیر المؤمنین در منابع شیعه و اهل سنت آمده است. شیخ صدوق آن را در کتاب من

لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۲ به دو طریق آورده است. از محدثان اهل سنت عمر بن المظهر محمد

نسفی (۴۶۱-۵۳۷ق) آن را نقل کرده است (میراث حدیث شیعه، دفتر دوم، ص ۱۱-۵۱).

در باره فرازهایی از این وصیت برخی عالمان شیعی اظهار نظرهایی مشابه اظهار نظر فیروزآبادی

کرده اند.

شهید ثانی در مسالک الأفهام در ذیل فرازی از این وصیت گفته است: و لعله استند إلى ظاهر النهي الوارد

عنه في وصية النبي ﷺ لعلي عليه السلام: ولا تنظر إلى فرج امرأتك و غَضْ بصرک. و النهي فيه متناول لحالة

الجماع و غيرها. و في مقطوعة سماعه التقييد بحالته، و هو أولى. و مثلها رواية أبي حمزة عن أبي عبد

الله عليه السلام: أينظر الرجل في فرج امرأته و هو یجامعها؟ قال: لا بأس.

ولعل الإطلاق في الخبر الآخر مقيد بتلك الحالة، لأن السياق فيها، مع أن الاستناد في الأحكام إلى مثل هذه

الروایات الواهية لا یخلو من إشکال لولا سهولة الخطب في الكراهة، و على هذه الوصية تفوح رائحة

واحد و هو: يا علي، أنت منّي بمنزلة هارون من موسى.^١

١٠. باب فضائل أبي حنيفة والشافعي و ذمهم؛^٢ ليس فيه شيء صحيح، و كل ما ذكر فيه موضوع مفترى.

١١. باب فضائل البيت المقدس^٣ و الصخرة^٤ و عسقلان^٥ و قزوين^٦ و أندلس^٧

هـ الوضع، و قد صرح به بعض النقاد. (مسالك الأفهام، ج ٧، ص ٣٩).

فيض کاشانی نیز در کتاب وافى پس از نقل چند فراز از این وصیت از کتاب من لایحضره الفقیه فرموده است:

و لا یخفى ما فی هذه الوصایا و بعد مناسبتها بجلالة قدر المخاطب، و لذلك قال بعض فقهاؤنا: إنها مما یشم منه رائحة الوضع. (الوافى، ج ٢٢، ص ٧٣٤).

شهید سید محمد علی قاضی طباطبائی در حواشی بر الآثار النعمانیة نیز چنین می گوید:

رواها الصدوق فی من لایحضره الفقیه و فی طریقہ إلى أبي سعید الخدری جهالة، و من یمعن النظر إلى هذه الوصية و مارس أحادیث رسول الله ﷺ و أهل بيته ﷺ و آنس بکلامهم و حصلت له هذه الملكة یظهر له أنّ تلك الوصية غير صادرة عنهم سلام الله علیهم، و لذا صرح أكبر فقهاء الإمامیة و مجتهدیهم المشاهیر الشهید الثاني رحمه الله فی کتابه القیم المسالك بأنها من الموضوعات. (الآثار النعمانیة، ج ٢، ص ١٦٠). آية الله خویی در معجم رجال الحديث هر دو طریق صدوق را مجهول دانسته و فرموده است:

والطرق ضعيف بعدة مجاهيل. (معجم رجال الحديث، ج ٧، ص ٢٣٥ و ج ٤، ص ١٥١)

یادآوری می کند بسیاری از مضامین این وصایا در روایت ها و نقل های دیگر آمده است که قرینه بر صدور اصل آنها وجود دارد. گرچه در شکل مجموعی این وصیت یا برخی فرازهای آن تردید باشد. و جالب آن است که نخستین بند آن که مربوط به جانشینی حضرت امیر ﷺ می باشد در تمامی نقل های شیعه و اهل سنت نقل گردیده و فیروزآبادی نیز در این جا حکم به درستی و صحت آن کرده است.

١. صحیح البخاری، ج ٤، ص ٢٠٨؛ صحیح مسلم، ج ٢٤٠٤؛ مستد أحمد، ج ١، ص ١٧٠؛ حلیة الأولیاء، ج ٧، ص ١٩٥-١٩٧.

٢. میزان الاعتدال، ج ٣، ص ٤٢٩؛ المنار المنیف، ج ٣، ص ٤٢٩.

٣. مستد أحمد، ج ٢، ص ١٧٦؛ سنن النسائی، ج ٢، ص ٣٤.

٤. المنار المنیف، ص ١٥٤-١٥٧.

٥. مستد أحمد، ج ٣، ص ٢٢٥.

٦. سنن ابن ماجه، ج ٢٧٨٠؛ اللثالی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه، ج ١، ص ٤٦٣؛ تهذیب الکمال، ج ٦، ص ٣٩٠.

٧. لم نجد فيه حديثاً.

ودمشق^١؛ ليس فيه حديث صحيح إلا حديث: «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد»^٢ و حديث: «إنه سئل عن أول بيت وضع في الأرض» فقال: «المسجد الحرام»، قيل: ثم ماذا؟ قال: «المسجد الأقصى»^٣ و حديث: «إن الصلاة فيه تعدل خمسمئة صلاة»^٤.
 ١٢. باب «إذا بلغ الماء قلنتين لم يحمل خبثاً»^٥ قال جماعة: لم يصح فيه حديث، وأورده أكابر أهل الحديث في مصنفاتهم.

١٣. باب استعمال المشمس^٦؛ لم يصح فيه حديث.

١٤. باب تشيف الأعضاء^٧؛ لم يصح فيه حديث.

١٥. باب تخليل اللحية ومسح الأذنين والرقبة^٨؛ لم يصح فيه حديث.

١٦. باب الوضوء بنبذ التمر^٩؛ لم يصح فيه حديث.

١٧. باب أمر من غسل ميتاً بالاغتسال^{١٠}؛ لم يصح فيه حديث.

١٨. باب «بسم الله الرحمن الرحيم آية من كل سورة»^{١١}؛ لم يصح فيه حديث.

١٩. باب الجهر في الصلوة بالبسملة^{١٢}؛ لم يصح فيه حديث.

٢٠. باب «الإمام ضامن والمؤذن مؤتمن»^{١٣}؛ لم يصح فيه حديث.

١. مسند أحمد، ج ٥، ص ٢٧٠.

٢. مسند أحمد، ج ٣، ص ٧.

٣. كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٠.

٤. كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٠.

٥. مسند أحمد، ج ٢، ص ٢٣ و ٢٧ و ١٠٨؛ سنن أبي داود، ج ٦٣ و ٦٤؛ سنن النسائي، ج ١، ص ١٧٥.

٦. در نسخه های چاپی «الماء المشمس» آمده است.

٧. سنن الترمذي، ج ٥٣ و ٥٤.

٨. سنن الترمذي، ج ٣١؛ سنن ابن ماجه، ج ٤٣٠ و ٤٤٣؛ سنن الدارمی، ج ١، ص ١٧٨.

٩. مسند أحمد، ج ١، ص ٤٠٢ و ٤٤٩ و ٤٥٠ و ٤٥٨.

١٠. سنن أبي داود، ج ٣١٦٠؛ سنن الترمذي، ج ٩٩٣؛ سنن ابن ماجه، ج ١٤٦٣.

١١. سنن أبي داود، ج ٧٨٨؛ أخبار أصبهان، ج ٢، ص ٢٥٦.

١٢. سنن النسائي، ج ٢، ص ١٣٤؛ المستدرک، ج ١، ص ٢٣٢؛ سنن الدارقطني، ج ١، ص ٣٠٦.

١٣. کتاب المسند، شافعی، ص ٥٦؛ مسند أحمد، ج ٢، ص ٣٨٢؛ سنن أبي داود، ج ١، ص ١٢٧، ح ٥١٧.

٢١. باب «جواز الصلاة خلف كل بر وفاجر»؛^١ لم يصح فيه حديث.
٢٢. باب «لا صلاة لجار المسجد إلا فيه»؛^٢ لم يصح فيه شيء.
٢٣. باب «أتمم الأتمام تم الصيام في السفر»؛^٣ لم يصح فيه حديث.
٢٤. باب «لا صلاة لمن عليه صلاة»؛^٤ لم يصح فيه شيء.
٢٥. باب «ترك القنوت في الفجر والوتر»؛^٥ لم يصح فيه حديث، بل قد ثبت أن بعض الصحابة فعل القنوت.
٢٦. باب «النهي عن الصلوة على الجنازة في المسجد»؛^٦ لم يصح فيه حديث.
٢٧. باب «رفع اليدين في تكبيرات الجنازة»؛^٧ لم يصح فيه شيء.
٢٨. باب «لم تعطىها شيء»؛^٨ لم يثبت فيه شيء.
٢٩. «باب صلاة الرغائب وصلاة نصف شعبان وصلاة نصف رجب وصلاة الإيمان وصلاة ليلة المعراج وصلاة ليلة القدر وصلاة ليلة من رجب وشعبان ورمضان»؛^٩ فهذه الأبواب لم يصح فيها شيء أصلاً.
٣٠. باب «صلاة التيسيع»؛^{١٠} لم يصح فيها حديث.
٣١. باب «زكاة الحلي»؛^{١١} لم يثبت فيه شيء.

١. سنن أبي داود، ح ٥٩٤؛ سنن الدارقطني، ج ٢، ص ٥٧.
٢. منتهى المطلب، ج ١، ص ٣٦٣؛ غاية المراد، ص ١٧٢؛ جامع المقاصد، ج ١٢، ص ١٢٣.
٣. در نسخه های چاپی «اتم الاتمام و اتم الصيام في السفر» آمده است.
٤. سنن الدارقطني، ج ١، ص ٤٢١؛ مستد أحمد، ج ٤، ص ١٠٦؛ المعجم الكبير، ج ٤، ص ٢٨.
٥. صحيح البخاري، ج ٢، ص ١٤؛ صحيح مسلم، ح ٦٧٧؛ سنن الدارمي، ج ١، ص ٣٧٤-٣٧٥.
٦. مستد أحمد، ج ٢، ص ٤٤٤ و ٥٠٥؛ سنن أبي داود، ح ٣١٩١؛ سنن ابن ماجه، ح ١٥١٧.
٧. سنن الدارقطني، ج ٢، ص ٦٢.
٨. در نسخه های چاپی «باب الصلاة لا يقطعها شيء» آمده است.
٩. لم يوجد فيه حديث.
١٠. سنن أبي داود، ح ١٢٩٧؛ سنن ابن ماجه، ح ١٣٨٧.
١١. مستد أحمد، ج ٢، ص ١٧٨ و ٢٠٤ و ٢٠٨؛ سنن أبي داود، ح ١٥٦٣؛ سنن الترمذي، ح ٦٣٧؛ سنن النسائي، ج ٥، ص ٣٨.

٣٢. باب «زكاة»؛^١ مع كثرة ما يروى^٢ فيه لم يثبت فيه شيء.
٣٣. باب «زكاة الخضراوات»؛^٣ لم يثبت فيه شيء.
٣٤. باب «السؤال»؛^٤ وقوله: «اطلبوا من الرحماء ومن حسان الوجوه»^٥ وكل ما هذا المعنى لم يثبت فيه شيء.^٦
٣٥. باب «فضائل عاشورا» ورد استحباب صيامه وسائر الأحاديث في فضله وفضل الصلوة فيه والإنفاق والخضاب والإدهان والاكتحال وطبخ الحبوب^٧ وغير ذلك؛ مجموعه موضوع مفترى؛ قال أئمة الحديث: الاكتحال فيه بدعة ابتدعتها قتلة الحسين عليه السلام.
٣٦. باب «صيام رجب وفضله»؛^٨ لم يثبت فيه شيء، وقد ورد كراهة ذلك.
٣٧. باب «الحجامة فطر الصائم»؛^٩ لم يصح فيه شيء.
٣٨. باب «كل قرض جزئاً فهو ربا»؛^{١٠} لم يثبت فيه شيء.
٣٩. باب «حجوا قبل أن تحجوا»؛^{١١} و حديث: «من أمكنه الحج ولم يحج فليمت إن

١. در نسخه های چاپی «زكاة العمل» آمده است.

٢. مسند أحمد، ج ٤، ص ٢٣٦؛ سنن ابن ماجه، ح ١٨٢٣.

٣. سنن الترمذی، ح ٦٣٨.

٤. در حاشیه نسخه آمده است: قد روى صحبك الكرام حديثاً: «اطلبوا الخير من حسان الوجوه» ذكره صاحب فتحات الأهرار في نوع العقد معتقداً أن القائل قد عقل الحديث المروي، فليراجع.

٥. كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢١.

٦. فيض القدير، ج ١، ص ٦٩٠؛ كشف الخفاء، ج ١، ص ١٣٨؛ الكامل، ابن عدي، ج ٣، ص ٣٢٠.

٧. صحيح البخاري، ج ٢، ص ٢٣٢ و ٢٥١ و ٨، ص ١٣٦؛ صحيح مسلم، ح ١١٦٢؛ مسند أحمد، ج ٥، ص ٢٩٦-٢٩٧؛ فيض القدير، ج ٦، ص ٢٣٥.

٨. الموضوعات، ابن جوزي، ج ٢، ص ٢٠٧؛ اللآلئ المصنوعة في الأحاديث الموضوعة، ج ٢، ص ١١٤-١١٧.

٩. سنن الدارمي، ج ٢، ص ١٤؛ فتح الباري، ج ٤، ص ١٥٤؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢١.

١٠. المجموع نووي، ج ١٣، ص ١٧٢؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ١٢٥؛ فقه السنة، ج ٣، ص ١٤٧.

١١. در نسخه های چاپی «قبل أن لا تحجوا» آمده است.

١٢. المستدرک، ج ١، ص ١٤٨؛ حلیة الأولیاء، ج ٤، ص ١٣١.

- شاء يهودياً وإن شاء نصرانياً^١، لم يثبت فيه شيء.
٤٠. باب «نكاح الأيامي»^٢ وشاهدي عدل؛ لم يصح فيه شيء.
٤١. باب «الأمر باتخاذ السراي»^٣؛ لم يثبت فيه شيء.
٤٢. باب «مدح العزوبة»^٤؛ لم يثبت فيه شيء.
٤٣. باب «خلق الورد من عرق»^٥ وأمثال هذا؛ كله موضوع.
٤٤. باب «فضائل الديك الأبيض»^٦؛ باطل موضوع.
٤٥. باب «فضل الحناء»^٧؛ ليس فيه شيء.
٤٦. باب «النهي عن الشيب»^٨؛ لم يثبت فيه شيء.
٤٧. باب «التختم بخاتم العقيق والتختم في اليمين»^٩؛ لم يثبت فيه شيء.
٤٨. باب «النهي عن عرض الرؤيا على النساء»^{١٠}؛ لم يثبت فيه شيء.
٤٩. باب «تكلم النبي ﷺ بالفارسي مثل العنب ودود»^{١١} ويا سلمان شكّم درد»^{١٢}؛ لم يصح فيه شيء.
٥٠. باب «كرامة الكلام بالفارسي»؛ لم يثبت فيه شيء و حديث: «كلمة فارسية ممن

١. عمدة القاري، ج ٩، ص ١٢٣؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢١.
٢. در نسخه های چاپی «باب لا نكاح إلا بولي» وشاهدي عدل، آمده است.
٣. مجمع الزوائد، ج ٤، ص ٢٥٩؛ فيض القدير، ج ٤، ص ٣٤١.
٤. سنن الترمذي، ج ٢٣٤٧؛ المعجم الكبير، ج ٨، ص ٢٤٢.
٥. كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٢؛ ميزان الاعتدال، ج ٣، ص ٦٧٦؛ لسان الميزان، ج ٥، ص ٣٣١.
٦. الموضوعات، ابن جوزي، ج ٣، ص ٥-٤؛ اللآلئ المصنوعة في الأحاديث الموضوعة، ج ٢، ص ٢٢٨-٢٢٩.
٧. فيض القدير، ج ١، ص ٢٠٨.
٨. در نسخه های چاپی «باب النهي عن نف الشيب» آمده است.
٩. المقاصد الحسنة، سخاوی، ص ١٥٣؛ ميزان الاعتدال، ج ٤، ص ٥٠٣؛ المجروحین، ابن حبان، ج ٣، ص ١٥٣.
١٠. المنار المنيف، ص ١٣٢.
١١. المقاصد الحسنة، سخاوی، ص ٢٩٢.
١٢. مسند أحمد، ج ٢، ٣٩٠؛ سنن ابن ماجه، ج ٣٤٥٨.

يحسن العربية يحسنها خطيئة^١ خطأ.

٥١. باب «ولد الزناء لا يدخل الجنة»^٢ باطل.

٥٢. باب «ليس للفاسق غيبة»^٣ وما في معناه؛ لم يثبت فيه شيء.

٥٣. باب «النهي عن سبِّ البراغيث»^٤؛ لم يثبت فيه شيء.

٥٤. باب «ذم السماع»^٥؛ لم يرد فيه حديث صحيح.

٥٥. باب «اللعب بالشطرنج»^٦؛ ليس فيه حديث صحيح.

٥٦. باب «لا تقتل المرأة إذا ارتدت»^٧؛ لم يصح، بل صح خلافه «من بدل دينه فاقتلوه»^٨.

٥٧. باب «إذا وجد القتل بين القريتين ضمن أقرهما»^٩؛ لم يثبت فيه شيء.

٥٨. باب «من أهدي له هدية وعنده جماعة فهم شركاؤه»^{١٠}؛ لم يثبت فيه حديث صحيح.

٥٩. باب «ترك الأكل والشرب من المباحات»^{١١}؛ لم يثبت فيه شيء.

٦٠. باب «الحجامة واختيارها في بعض الأيام وكرهاتها في بعضها»^{١٢}؛ لم يثبت فيه شيء.

إنما الثابت «مُر أمتك بالحجامة» و حديث الصحيحين: «إن كان في شيء شفاء ففي

١. كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٢.

٢. المصنف، ج ٧، ص ٤٥٥؛ فيض القدير، ج ٤، ص ٥٦٣؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٣٣٩.

٣. المعجم الكبير، ج ١٩، ص ٤١٨؛ الجامع الصغير، ج ٢، ص ٤٦١؛ ح ٧٦٥٠؛ كنز العمال، ج ٣، ص ٥٩٥، ح ٨٠٧١.

٤. المقاصد الحسنة، سخاوى، ص ٤٦١.

٥. صحيح البخاري، ج ٦، ص ٢٤٣؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٢.

٦. الضعفاء، عقيلي، ج ٤، ص ٢٦١.

٧. سنن الدارقطني، ج ٣، ص ٩٢؛ ح ٣١٨٥؛ تذكرة الموضوعات، ص ١٧٩؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٢.

٨. صحيح البخاري، ج ٤، ص ٢١؛ ج ٨، ص ٥٠ و ١٨٣.

٩. المحلى، ج ١١، ص ٦٦؛ فتح الباري، ج ١٢، ص ٢٠٩؛ المصنف، ج ٦، ص ٤١٦؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٢.

١٠. صحيح البخاري، ج ٢، ص ٤٢٢؛ مجمع الزوائد، ج ٤، ص ١٤٨؛ فتح الباري، ج ٥، ص ١٦٧؛ عمدة القاري،

ج ١٣، ص ١٦٤؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٢.

١١. لم يوجد فيه حديث.

١٢. مسند أحمد، ج ١، ص ٣٥٤؛ سنن الترمذي، ح ٢٠٥٣؛ سنن ابن ماجه، ح ٣٧٧٧.

شرطة محجم أو شربة غسل أو لذعة بنار»^١.

٦١. باب الاحتكار؛ فيه أحاديث كثيرة متقولة، لم يصح فيه سوى حديث مسلم: «من احتكر فهو خاطئ»^٢ فبعضهم يقول: هو منسوخ، وبعضهم يحمله على ما يضر بأهل ذلك المقام.

٦٢. باب المسح^٣ الوجه باليدين بعد الدعاء؛ لم يصح فيه شيء.

٦٣. باب موت الفجاء، لم يصح فيه شيء، وحديث: «إنه راحة للمؤمن، أخذه أسف للكافر»^٤ لم يثبت.

٦٤. باب الملاحم والفتن؛ إنَّ علياً عليه السلام قال للزبير يوم الجمل: «أُنشدك الله، هل سمعت رسول الله في سقيفة بني فلان يقول: لتقاتله وأنت ظالم؟!»^٥ لم يثبت ولم يصححه أهل الحديث.

٦٥. باب ظهور آيات القيامة في الشهور المعينة وما روى فيه: «يكون في رمضان هذة، وفي رمضان مهمة»^٦ إلى غير ذلك، لم يثبت فيه شيء، ومجموعه باطل.

٦٦. باب «الإجماع حجة»^٧؛ لم يصح فيه حديث.

٦٧. باب «القياس حجة»^٨؛ لم يصح فيه شيء.

١. مستد أحمد، ج ٣، ص ٣٤٣؛ صحيح البخاري، ج ٧، ص ١٢؛ صحيح مسلم، ج ٧، ص ٢٢.

٢. صحيح مسلم، ج ٥، ص ٥٦؛ السنن الكبرى، ج ٦، ص ٢٩؛ شرح مسلم، ج ١١، ص ٤٣.

٣. در نسخه های چاپی «مسح» بدون الف و لام آمده است.

٤. مستد أحمد، ج ٣، ص ٤٢٤؛ سنن أبي داود، ج ٢، ص ٦٠؛ الجامع الصغير، ج ٢، ص ٦٥٧، ح ٩١١٩ و ٩١٢٠.

٥. دلائل النبوة، بیهقی، ج ٦، ص ٤١٤؛ البداية والنهاية، ج ٣، ص ٢١٣؛ المطلب العالیة، عسقلانی، ج ٤، ص ٣٠١، ح ٤٤٧٠.

٦. الملاحم والفتن، سید بن طاووس، ص ١٠٩ (در آن «شوال مهمة» به جای «رمضان مهمة» آمده است)؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٣؛ ضعفاء العقيلي، ج ٣، ص ٥٢ (در آن «شوال» به جای «رمضان» دوم آمده است).

٧. مستد أحمد، ج ٦، ص ٣٩٦.

٨. لم يوجد فيه حديث.

٦٨. باب «المولودين بعد المئة»؛^١ لم يثبت.

٦٩. باب «ذم»^٢ ووصف ما يقع بعد مئة وثلاثين سنة وبعد مئتي، وثلاثمئة ومئة أولئك القوم ومدح الانفراد والتجرد في ذلك الوقت»؛^٣ مجموعها باطل مفترى.

و حديث: «الغرباء ثلاثة: قرآن في جوف ظالم، ومصحف في بيت لا يقرأ فيه، ورجل صالح بين قوم سوء» باطل.^٤

٧٠. باب «ظهور الآيات بعد المئتين»؛^٥ لم يثبت فيه شيء.

٧١. باب «مذمة الأولاد في آخر الزمان» و قول «لئن يرَبِّي أحدكم جِرواً خير له من أن يرَبِّي ولداً»^٦ و حديث: «يكون المطر قيضاً والولد غيظاً»^٧ لم يثبت في هذا المعنى من الأحاديث شيء.

٧٢. باب «تحريم القرآن بالألحان والتغني»؛^٨ لم يثبت فيه شيء، بل ورد خلاف ذلك في الصحيح وهو أن النبي ﷺ دخل مكة يوم الفتح، وهو يقرأ سورة الفتح، قال الراوي: و الترجيع آآ.^٩

٧٣. باب «تحليل النبيذ»؛^{١٠} لم يصح فيه شيء.

٧٤. باب «إذا سمعتم عتي حديثاً فاعرضوه على كتاب الله تعالى، فإن وافقه فاقبلوه، وإلا

١. اللثالي المصنوعة في الأحاديث الموضوعة، ج ٢، ص ٣٨٩؛ الموضوعات، ابن جوزي، ج ٣، ص ١٩٢.

٢. در نسخه های چاپی این چنین است: «باب وصف ما...».

٣. المجروحين، ج ٣، ص ١٣٨؛ ميزان الاعتدال، ج ٤، ص ٣٩١.

٤. كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٣.

٥. المستدرک، حاکم، ج ٤، ص ٤٢٨؛ سنن ابن ماجه، ح ٤٠٥٧.

٦. المستدرک، حاکم، ج ٣، ص ٤٣٤؛ المعجم الأوسط، ج ٥، ص ١٢٦؛ المعجم الكبير، ج ١٠، ص ٢٨٨ (با اختلاف و اضافة در همه موارد).

٧. فيض الغدير، ج ٦، ص ٣٦١؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٣؛ الدر المنثور، ج ٦، ص ٥٢.

٨. حديثي در این باب یافت نشد.

٩. كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٣.

١٠. شرح السنة، ج ١١، ص ٣٦٠-٣٦٤؛ الضعفاء، ج ٤، ص ١٢٤ و ج ٢، ص ٣٢٤؛ ميزان الاعتدال، ج ٤، ص ٣

و ج ٢، ص ٣٨٢.

فردوه؛^١ لم يثبت فيه شيء، و هذا الحديث من أوضع الموضوعات، بل صحّ خلافه: «ألا إني أوتيت القرآن ومثله معه»^٢ وجاء في حديث صحيح: «لألفين أحدكم متكئاً على متكأه يصل إليه [عني]»،^٣ الحديث، فيقول: «لا نجد هذا الحكم في القرآن الا أني أوتيت القرآن ومثله معه».^٤

٧٥. باب «انتفاع أهل العراق بالعلم»^٥ والمشى إلى طلب العلم حافياً والتخلّق في طلبه^٦ و عقوبة المعلم الجائر على الصبيان والدعاء بالفقر على المتعلمين؛^٨ لم يصحّ فيه حديث.

٧٦. باب «الحاكة وذمهم ومدحهم»؛^٩ ليس فيه شيء مثبت.

٧٧. باب «إنشاد الشعر بعد العشاء»^{١٠} وحفظ العرض بإعطاء الشعراء^{١١} وذمة^{١٢} التعبد بغير فقه وذمة العلماء الذين يمشون إلى السلطان^{١٣} ومسامحة العلماء وزيارة الملائكة قبور العلماء؛ لم يثبت في ذلك شيء. والله أعلم و صلى الله على محمد وآله وسلم.^{١٤}

١. تذكرة الموضوعات، ص ٢٨؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٣.

٢. مسند أحمد، ج ٤، ص ١٣١؛ مقدّمة فتح الباري، ص ٦؛ تحفة الأحوذى، ج ٥، ص ٣٢٤؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٣.

٣. رك: كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٣، و در بعضی از روایت‌ها «على أريكته» آمده است. سنن الترمذی، ح ٢٦٦٣.

٤. مسند أحمد، ج ٤، ص ١٣١؛ مقدّمة فتح الباري، ص ٦؛ تحفة الأحوذى، ج ٥، ص ٣٢٤؛ كشف الخفاء، ج ٢، ص ٤٢٣.

٥. الموضوعات، ج ١، ص ٢١٦.

٦. در نسخه‌های چاپی «التملق» آمده است.

٧. الكامل، ابن عدی، ج ٦، ص ٢٢٢٧.

٨. تاریخ بغداد، ج ١٢، ص ١٢٤؛ الموضوعات، ج ١، ص ٢٢٤.

٩. تاریخ بغداد، ج ١٢، ص ١٢٤؛ الموضوعات، ج ١، ص ٢٢٤.

١٠. مسند أحمد، ج ٤، ص ١٢٥؛ المعجم الكبير، ج ٧، ص ٣٣٥.

١١. مسند الشهاب، ص ٩٤.

١٢. در نسخه‌های چاپی «ذم التعبد» آمده است.

١٣. المقاصد الحسنة، ص ٣٠٠ و ٣٧٢ و ٤٤٨؛ مسند أحمد، ج ٢، ص ٣٧١؛ مسند الشهاب، ص ٣٣٩.

١٤. این جمله در نسخه‌های چاپی نیست.

